

دو تا ۷۹	دعا ۱۶
یک شاگرد از دعای حاکمان کتاب مقدس استفاده می کند. (قسمت ۲)	
S = معلم ۲ تعلیم توسط معلم ۲	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه تعالیم یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح شوید. یکی از معلمان با استفاده از کتاب مقدس به شما تعلیم خواهد داد که شاگرد عیسی دعا می کند. در حالیکه به این برنامه گوش می کنید یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. عیسی می گوید: " بخواید که به شما داده خواهد شد " (متی ۷: ۷). پولس می گوید: " پیوسته دعا کنید " (اول تسالونیکیان ۵: ۱۷). و یعقوب می گوید: " دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد " (یعقوب ۵: ۱۶). کتاب مقدس در مورد دعا تعالیم بسیار دارد. مجموعه سوم از تعالیم ۶ گانه در مورد دعای مردم کتاب مقدس است. ما از پیروان مختلف خدای زنده دعا یاد خواهیم گرفت و عناوین آنها عبارتند از: " دعاهای مزامیر " ، " دعاهای انبیاء در کتاب مقدس " و " دعاهای حاکمان در کتاب مقدس ". هر عنوان دارای دو بخش خواهد بود. امروز یاد خواهیم گرفت که " یک شاگرد با استفاده از دعای حاکمان در کتاب مقدس دعا می کند، قسمت دوم. "

(S) در سرتاسر تاریخ دنیا مسیحیانی وجود داشته اند که رهبران سیاسی بوده اند! آنها در هنگام انجام مسئولیتشان به عنوان رهبر مردم اغلب دعا می کردند و در انجام وظایفشان از خدا طلب حکمت، قوت و دلیری می کردند. آنها نزد خدا برای مردم دعا می کردند تا آنها به خدا توکل و از او اطاعت کنند. آنها دعا می کردند تا عدالت در کشورشان حکمفرما شود. در قسمت دوم ما دعاهای یهو و شافاط، حزقیاء، مدرس، دانیال، نحمیا را بررسی می کنیم.

نکته ۵. دعای یهو و شافاط پادشاه

یهوشافاط بیش از ۲۸۵۰ سال قبل زندگی می کرد و پادشاه یهودا بود. به جای جنگ کردن برای دخالت خدا دعا کنید.

در دوم تواریخ ۲۰ می خوانیم که لشگر موآبی ها و عمونی ها آمده بودند تا با یهودا بجنگند. یهوشافاط مضطرب گردیده و تصمیم گرفت از خدا کمک بخواد او روزه ملی اعلام کرد و تمام قوم از سرتاسر یهودا به اورشلیم آمدند تا از خدا کمک بخوانند. یهوشافاط پادشاه دعا کرد و گفت: " ای یهوه ... آیا تو بر جمیع ممالک امته سلطنت نمی نمایی و در دست تو قوت و جبروت است و کسی نیست که با تو مقاومت تواند نمود... ای خداوند اما آیا تو بر ایشان حکم نخواهی کرد زیرا که ما را به مقابل این گروه عظیمی که بر ما می آیند هیچ قوتی نیست و ما نمی دانیم چه بکنیم اما چشمان ما به سوی تو است " (آیه ۶، ۱۲). خدا دعای پادشاه را جواب داد و گفت: " از این گروه عظیم ترسان و هراسان مباشید زیرا که جنگ از آن شما نیست بلکه از آن خداوند است ... در این وقت بر شما نخواهد بود که جنگ نمایید بایستید و نجات خداوند را که با شما خواهد بود مشاهده نمایید " (آیه ۱۵، ۱۷). روز بعد لشگر آنان حرکت کرده تا در مقابل موآبیان و عمونیان اردو بزنند. مردم پیشاپیش آنها حرکت کرده سرود می خواندند و خدا را می پرستیدند در حالیکه سرود می خواندند و خداوند را پرستش می کردند، خداوند بر ارتش موآب و عمون هجوم آورده و ارتش موآب و عمون یکدیگر را هلاک کردند. دو لشکر عظیم یکدیگر را کشتند و حتی یکنفر از سربازان نتوانست فرار کند! سپس، ترس خداوند بر جمیع ممالک کشورها مستولی شد چونکه شنیدند که خداوند با دشمنان اسرائیل جنگ کرده است.

کاربرد. در جنگی که مابین دو کشور رخ می دهد معمولاً هر دو طرف تخریب می شوند. اما رهبر یک کشور می تواند به جای جنگ دعا کند. خدا حاکم مقتدر جهان است. او می تواند دخالت کند و بدون هیچ جنگی، شرایط را در جهت دعای رهبر آن کشور تغییر دهد!

نکته ۶. دعای حزقیاء پادشاه

حزقیاء بیش از ۲۷۰۰ سال قبل زندگی کرد او یکی دیگر از پادشاهان یهودا بود.

اول. به جای به راه انداختن جنگ دعا کنید خدا دخالت کند.

در دوم پادشاهان ۱۹ می خوانیم که آشوری ها در آن زمان از تاریخ قوی ترین قوم بودند و قلمرو خود را با جنگ گسترش داده و به اورشلیم نیز آمدند. پادشاه آشور، سنخاریب نامه ای به حزقیاء فرستاد تا به او بگوید که چطور آشوری ها سایر اقوام را کاملاً نابود ساخته و بت های آنها را سوزانده بود. او به این افتخار می کرد که هیچ خدایی نتوانسته جلوی او را بگیرد و به یهودا هم هشدار داد تا تسلیم شود. حزقیاء پادشاه به معبد رفت و نامه را به حضور خداوند پهن کرد. او دعا کرد و چنین گفت: " خداوند ... تویی که به تنهایی بر تمامی ممالک جهان خدا هستی ... گوش خود را فرا گرفته بشنو ای خداوند چشمان خود را گشوده ببین و سخنان سنخاریب را که به جهت اهانیت نمودن خدای حی فرستاده است استماع نما ... ما را از دست او رهایی ده تا جمیع ممالک جهان بدانند که تو تنها ای یهوه خدا هستی " (آیات ۱-۱۹). خدا از طریق اشعیاء نبی پاسخی برای او فرستاد. خدا گفت که دعای حزقیاء را شنیده و می داند که سنخاریب مغرورانه بر علیه خدا چه گفته و به او اهانیت کرده است. او وعده داد که سنخاریب با اورشلیم نخواهد جنگید بلکه خدا او را مجبور به بازگشت به کشورش خواهد کرد. خدا گفت: " این شهر را حمایت کرده و به خاطر خود ... او را نجات

خواهم داد" (آیه ۳۴). همان شب خدا فرشته خود را فرستاد و همان یک فرشته ۱۸۵۰۰۰ سرباز لشکر آشور را کشت. سدخاریب بلافاصله به خانه بازگشت و پسرش او را در کشور خودش کشت.

کاربرد. رهبران کشورها و پادشاهان مواظب باشید! اگر بر علیه کشوری می جنگید که مردمانش نزد خدای زنده دعا می کنند پس خدای زنده بر علیه شما خواهد جنگید!
دوم. برای نیازهای شخصی تان دعا کنید.

در دوم پادشاهان ۲۰ می خوانیم که حزقیای پادشاه در حال مرگ بود. اشعیاء نبی نزد او آمد و گفت: "خداوند چنین می گوید: تدارک خانه خود را ببین زیرا که میمیری و زنده نخواهی ماند." حزقیای روی خود را به سوی دیوار برگردانید و دعا کرد، "ای خداوند مسئلت اینکه به یاد آوری که چگونه به حضور تو به امانت و به دل کامل سلوک نموده ام و آنچه در نظر تو پسندیده بوده است بجا آورده ام." خدا دعای حزقیای را جواب داد حتی قبل از اینکه اشعیاء آنجا را ترک کند. اشعیاء به طرف حزقیای بازگشت و پاسخ خداوند را به او چنین گفت، "دعای ترا شنیدم و اشکهای ترا دیدم اینک ترا شفا خواهم داد... و بر روزهای تو پانزده سال خواهم افزود." خدا حتی به نشانه تضمین این اتفاق در آینده، نشانه خاصی به او داد. تا ایمان او را به کلام خدا تقویت بخشد خدا اجازه داد که سایه از درجه ای که پایین رفته بود ده درجه برگشت کند!

کاربرد. ممکن است رهبران کشورها برای نیازهای شخصی خود دعا کنند. خدا نه فقط با کشورها بلکه با تک تک افراد منجمله رهبران کشورها کار دارد. زندگی هر رهبر در دستان خداست و او می تواند زندگی او را کوتاهتر یا طولانی تر کند!

نکته ۷. دعای منسی پادشاه

منسی بیش از ۲۶۵۰ سال قبل زندگی می کرد. او یکی از پادشاهان شریر یهودا بود.
دعا کنید و خود را در حضور خدای زنده فروتن سازید.

در دوم تواریخ ۳۳ می خوانیم که منسی پادشاه فقط کارهایی را انجام می داد که در نظر خدا شرارت بود. او اعمال نفرت انگیز قومهای همسایه اسرائیل را پیروی می کرد. بت ها و مذبح هایی برای آنها ساخت و حتی آنها را در معبد خدای زنده قرار داد. او بت های بلوری به نام بعل و همینطور لشکر درخشان آسمان را پرستش می کرد. او حتی پسرانش را برای بتها با آتش قربانی می کرد. او در کارهایی مانند جادوگری و فالگیری شرکت داشت و با احضار کنندگان ارواح و مدیوم ها مشورت می کرد. منسی پادشاه تمام مردم کشورش را به انحراف کشید طوری که آنها حتی از قومهای شریری که خدا در مقابل اسرائیل نابود ساخته بود شریتر بودند. خدا با منسی و قومش سخن گفت اما آنها توجهی نکردند. بالاخره خدا آنها را با مصیبتی مواجه ساخت آشوری ها به آنها حمله کردند. آنها منسی را به زندان انداختند، قلابی به بینی اش انداختند با زنجیر او را بستند و به بابل بردند. فقط بعد از وقوع مصیبت که منسی در حضور خدا دعا کرد. او خود را در مقابل خدا فروتن ساخت و خدا دعایش را شنید. خدا هم او را به اورشلیم بازگرداند تا پادشاه آنجا باشد. پس منسی پادشاه فهمید که خداوند، خدا است. او زندگی شخصی اش را تغییر داد و کشورش را احیاء نمود. او بت پرستی را نابود کرد که خودش قبلاً آن را ترویج می داد و قومش را هدایت کرد تا خدای زنده کتاب مقدس را خدمت کنند.

کاربرد. وقتی رهبر یک کشور شریرانه زندگی می کند خدا او را مجازات خواهد کرد! اما اگر این شخص به سوی خدا بازگشت کند خود را در حضور او فروتن و گناهانش را اعتراف کند خدا می تواند او را احیاء کند تا زندگی عادلانه ای داشته باشد. خدا از هیچکس نا امید نمی شود! هیچ چیز برای خدا غیر ممکن نیست! شنونده عزیز، اگر زندگی گناه آلودی داشته اید، شروع کنید به دعا کردن تا خدا شما را نجات دهد و شما را احیاء کند تا زندگی عادلانه ای داشته باشید.

نکته ۸. دعای دانیال والی

دانیال بیش از ۲۶۰۰ سال قبل زندگی کرد. او از یک خانواده اشرافی یا برجسته یهودا بود که توسط نبوکدنصر قدرتمند به بابل فرستاده شد. بعد از آموزش در بابل دانیال یکی از مردان حکیم نبوکدنصر شد.

اول. دعا کنید که خدا پیغام خود را بر حاکمان کشور شما آشکار سازد.

در دانیال ۲ می خوانیم که خدا از طریق خواب پیغامی به نبوکدنصر می دهد. پادشاه می دانست که فالگیران و ستاره شناسان او وانمود می کنند که آینده را می دانند و قبل از اینکه خواب او را تفسیر کنند می خواهند پادشاه خوابش را برای آنها تعریف کند. اما چه کسی می توانست بدانند که تفسیر ستاره شناسان او درست خواهد بود یا خیر؟ اگر آنها واقعا می توانند خوابها را تفسیر کنند پس باید بتوانند بگویند که او چه خوابی دیده است. پس پادشاه زیرک از ستاره شناسان خواست که علاوه بر تفسیر، خواب او را نیز تعریف کنند! نه هیچکدام از ستاره شناسان و نه جادوگران و نه فالگیران نتوانستند چنین کنند. پس پادشاه تصمیم گرفت که تمام این حقه بازان را به مرگ بسپارد. دانیال می خواست زندگی انسانهای بی گناه را نجات دهد پس او و سه دوستش به حضور خدای زنده کتاب مقدس دعا کردند و از خدا خواستند که راز خواب پادشاه را بر آنها آشکار سازد. آن شب خدا راز آن خواب و تفسیرش را برای دانیال آشکار کرد. بعد از اینکه دانیال خواب و تفسیرش را برای نبوکدنصر گفت. نبوکدنصر به روی خود افتاد و گفت: "بدرستی که خدای شما خدای خدایان و خداوند پادشاهان و کاشف اسرار است" (آیه ۴۷).

کاربرد. خدا می تواند با دعا پیغامش را برای مردم آشکار کند. با دعا خدا ذهن روحانی قومش را باز می کند به طوریکه آنچه او می گوید بتوانند درک کنند.

دوم. هر روز در حضور خدا دعا کنید.

بعدها دانیال به عنوان یکی از سه وزیر قدرتمند امپراطوری بابل منصوب شد. در دانیال ۶: ۱۰ می خوانیم که دانیال سه بار در روز به بالاخانه می رفت زانو زده و دعا می کرد و شکرگذاری می نمود درست همانند همیشه. دانیال یکی از قویترین مردان امپراطوری بابل بود ولی با اینحال می دانست فقط در صورتی می تواند حاکم خوبی باشد که در حضور خدای زنده دعا کند!

کاربرد. کتاب مقدس می گوید بینش و حکمت فقط از سوی خدا می آید. رهبران کشورهای مختلف احتیاج به چنین بینش و حکمتی دارند تا بر قومشان به خوبی حکومت کنند. شنونده عزیز، اگر شما یکی از رهبران کشورتان هستید نمونه دانیال را دنبال کنید هر روز در حضور خدای زنده دعا کنید که خودش را از طریق انبیاء کتاب مقدس و در عیسی مسیح آشکار کند.

سوم. بعد از اینکه کتاب مقدس را می خوانید دعا کنید.

در دانیال ۹ می خوانیم که دانیال در کتاب مقدس خواند خدا در مدت ۷۰ سال گناهان اسرائیل را داوری خواهد کرد. دانیال با این حقیقت کتاب مقدس عمیقاً تکان خورد و گناهان قوم خود اسرائیل را اعتراف نمود. او گفت: ما گناه و عصیان و شرارت ورزیده و تمرد نموده و از اوامر و احکام تو تجاوز کرده ایم و به بندگان انبیایی که به اسم تو به پادشاهان و سروران و پدران ما و به تمامی قوم زمین گفتند گوش نگرفته ایم ... ای خداوند ما را بیامرز!

کاربرد. خواندن کتاب مقدس به رهبران کشورها و قومها کمک خواهد کرد که حقایق خدا را کشف کنند. خواندن کتاب مقدس همچنین به رهبران یاد خواهد داد که چطور دعا کنند. شنونده عزیز، اگر شما یکی از رهبران کشورتان هستید کتاب مقدس را هر روز بخوانید و هر روز در حضور خدای کتاب مقدس دعا کنید.

نکته ۹. دعاهاى نحمیای والی

نحمیا بیش از ۲۴۴۵ سال قبل زندگی کرد او یکی از یهودیان تبعیدی بود که در امپراطوری ماد- پارس زندگی می کرد. **اول.** قبل از اینکه مذاکره ای را شروع کنید دعا کنید.

در نحمیا ۱ می خوانیم که او چند مصیبت قوم خودش در یهودا را شنید و اینکه تمام حصارهای اورشلیم فرو ریخته اند. پس نحمیا گناهان، خیانت و ناطاعتی قومش را به خدا اعتراف کرد. او وعده خدا را به او یادآوری کرد که قومش اگر با تمام قلب به سوی خدا بازگردند او آنها را احیاء خواهد کرد. نحمیا دعا کرد که خدا کاری کند که لطف پادشاه امپراطوری ماد- پارس، اردشیر نیرومند شامل او شود. وقتی پادشاه از او پرسید که چه درخواستی دارد او سریع دعا کرد و از خدا کمک خواست و درخواستش را به پادشاه گفت. پادشاه درخواست نحمیا را قبول کرد و حتی به او کمک کرد تا آن را اجراء کند.

کاربرد. رهبران کشورها می دانند که مذاکره با رهبران دیگر کشورها بسیار مهم است پس قبل از اینکه مذاکره خود را شروع کنند بایستی مانند نحمیا دعا کنند. خدا مقتدر است و می تواند موفقیت در مذاکره را تضمین کند.

دوم. وقتی مسخره تان می کنند و یا به اشتباه متهم می شوید دعا کنید.

در نحمیا ۴، او با یک دعای لعنت برای دشمنانش لعنت می طلبد. دشمنانش، یهودیان را در ملا عام کار بازسازی دیوار اورشلیم را مسخره می کردند. آنها چنین گفتند: "اگر شغالی نیز بر آنچه ایشان بنا می کنند بالا رود حصار سنگی ایشان را منهدم خواهد ساخت!" نحمیا هم دعا کرد و گفت: "ای خدای ما بشنو زیرا که خوار شده ایم و ملامت ایشان را بر سر ایشان برگردان و ایشان را در زمین اسیری به تاراج تسلیم کن و عصیان ایشان را مستور منما و گناه ایشان را از حضور خود محو مساز زیرا که خشم تو را پیش روی بنایان به هیجان آوردند." پس یهودیان از دل و جان دیوار را ساختند. بلافاصله بعد از آن، دشمنانشان توطئه کردند که به اورشلیم حمله کنند و مشکل دیگری ایجاد کنند چون نمی خواستند یهودیان موفق شوند. اما نحمیا و یهودیان دوباره دعا کردند و روز و شب محافظانی را قرار دادند تا مواظب تهدید آنها باشند. بعدها باز هم دشمنانشان نقشه کشیدند تا به طرح نحمیا آسیب بزنند. آنها نامه ای نوشتند و در آن نحمیا را متهم کردند که می خواهد پادشاه یهودا بشود. پاسخ نحمیا به این اتهام کذب آنها این بود که در حضور خدا دعا کند و از خدا بخواهد دستانش را قوت بخشد.

کاربرد. همانند نحمیای والی رهبران همیشه در اثر حسادت دشمنان با مخالفت آنها مواجه می شوند در چنین وضعیتی یعنی اتهامات مسخره و کاذب، یک رهبر نباید این تهدیدات را تلافی کند و یا جواب دهد بلکه بهتر است در حضور خدای زنده دعا کند. خدا همیشه در هر وضعیتی حقیقت را می داند و متوکلان خود را تأیید می کند.

تکلیف برای هفته آینده

اول. اگر یکی از رهبران کشورتان هستید یا در یک کارخانه یا در تجارت و یا در کلیسا چه دعایی برای مردمتان می کنید؟

دوم . کتابهای دستورعمل " بروید و شاگردان بسازید" را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید . این آدرس را به حروف تکرار میکنم
سوم . هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش کنید .